

● از سال ۱۳۵۷ تا پایان ۱۳۷۲ حدود
۴۱۰ داستان کوتاه و بلند و رمان
درباره انقلاب به صورت کتاب منتشر شده است.

دفتر «هنر و ادبیات انقلاب اسلامی» از جمله بخشهایی است که به تازگی در حوزه هنری تشکیل شده است. اما در همین مدت کوتاه تلاش قابل تقدیری داشته است. دامنه فعالیت‌های این دفتر بسیار گسترده است. برای آشنایی بیشتر با کارها و اهداف این دفتر، با هدایت‌الله بهبودی مسئول این دفتر گفت و گویی انجام دادیم که با هم می‌خوانیم:

- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی در چه زمانی تأسیس شد؟
- در واقع ابتدای سال ۱۳۷۲ شناسنامه این دفتر صادر شد، از مادری که «ام ابیها» هم بود یعنی «دفتر ادبیات و هنر مقاومت» در محل حوزه هنری.
- یعنی این دفتر زاده «دفتر ادبیات و هنر مقاومت» است؟
- بلی، زاده اوست. همه حرکت‌های

ادبیات

اصولی زاینده هستند. حادثه‌ای که در «دفتر ادبیات و هنر مقاومت» روی داد، چیزی جز جاری کردن یک حرکت نوین ادبی در جامعه نبود. ادبیات مقاومت، ادب پایداری. ادب مقاومت ... عنوانهایی است که در نقد ادبی به واکنش‌های مکتوب نویسندگان و سراینده‌گان در رویارویی با رویدادهای بزرگ می‌دهند و چشمه این جریان زلال و دیدنی پس از جنگ غلیان کرد و راه افتاد انتشار بیش از ۲۴۰ کتاب در موضوع جنگ، تجربه و تکیه‌گاه خوبی برای افتادن به دامن این فکر بود که: پس چرا برای انقلاب نه؟!؟

□ پس نیست «دفتر ادبیات انقلاب



اسلامی» هم جاری کردن یک حرکت تازه ادبی است؟

■ آرزویمان این است، ولی تحقق آن به دست آینده و قضاوتش به عهده تاریخ ادبیات است. آنچه برای ما بدیهی می‌نماید، تلاش و سعی‌ای است که در این راه در حال روی دادن است.

□ نام دفتر حکایت از محصولاتی می‌کند که بار اصلی‌شان ادبیات باشد، ولی واحدهای تحقیقی و تاریخی نیز در زیر مجموعه آن یافت می‌شود.

■ تلقی امروز ما از ادبیات مثل گذشته نیست، عوض شده است، و بنابر عرف، شامل آن بخش از دست‌آوردهای مکتوبی است که با آرایه‌ها و عناصر ادبی همراه گشته و از خامه نویسنده‌ای خوش‌ذوق به نگارش درآمده است. البته با شاخه‌های متنوعی که در علوم انسانی پیدا شده و روشهای مطالعاتی و تحقیقاتی آن، اطلاق

را برای دفتر ادبیات انقلاب اسلامی به دنبال داشته، اجازه بدهید توضیحی درباره سیر داستان‌نویسی در موضوع انقلاب اسلامی بدهم.

بنابر آماري که اخیراً توسط آقای حسین حداد برای «دفتر ادبیات انقلاب اسلامی» تهیه شده، از سال ۱۳۵۷ تا پایان ۱۳۷۲ حدود ۴۱۰ داستان کوتاه، داستان بلند و رمان درباره انقلاب اسلامی به صورت کتاب منتشر شده است که ۲۸۰ عنوان آن متعلق به بزرگسالان و ۱۳۰ عنوان از آن کودکان و نوجوانان است. این داستانها توسط دو گروه از نویسندگان خلق شده است: گروه اول ادیبانی بودند متقدم، با کوله‌باری از تجربه و صاحب نام و اثر، که با وقوع انقلاب اسلامی در چینه بسته عقایدشان باز شد و همراه با علایق سیاسی‌شان در خلق داستان تأثیر گذاشت. گروه دوم نویسندگانی بودند نوپا، پرشور،

جوان بودن میل به مخاطب قراردادن همسنگهای خود از جامعه و هم به علت ورود آسانتر به دنیای داستان‌نویسی کودکان و نوجوانان، این گروه سنی را انتخاب کرد.

□ حجم این آثار بیشتر متوجه چه سالهایی است؟

■ سال ۱۳۵۹. از این سال به بعد رشد داستانهایی که در مورد انقلاب اسلامی نوشته می‌شد، متوقف، بلکه نزول کرد. علت اصلی آن را باید در رویکرد نویسندگان به موضوع نویافته (جنگ) دانست. البته پس از پایان جنگ نگارش رمانها و داستانهای کوتاه درباره انقلاب اسلامی بار دیگر رشد یافت و در سال ۱۳۶۹ به اوج خود رسید، اوج که نه، از رکود ده سال گذشته به درآمد.

□ پس حرکت داستان انقلاب اسلامی منحنی بزرگی را طی کرده است.

■ بله. منحنی‌ای که فرود و فرازش

انقلاب آرمان یک ملت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ادبیات به این دسته از مکتوبات توجیه‌پذیر است. اما این لفظ قبل از هر چیز شامل آثاری است که نمایانگر تفکر و اندیشه جامعه در هر دوره تاریخی است. ادبیات مظهر روح جامعه و شاخص اندیشه گروههای اجتماعی است. پس کارهای تاریخی و تحقیقی «دفتر ادبیات انقلاب اسلامی» با این نگاه باید مباح باشد، هر چند تا بلو آن واژه زیبای ادبیات را نشان دهد.

□ از کارهای دفتر بگویید. از بخش ادبیات داستانی شروع کنید.

■ قبل از اینکه بگوییم رفاقت با نویسنده‌ها، در این عرصه، چه فرآورده‌هایی

زیاد است. و غیر از کمیت، این گودی و بلندی را می‌توان در کیفیت این آثار نیز مشاهده کرد.

□ روشتر بفرمایید.

■ منظورم اندیشه‌ای است که بر این رمانها و مجموعه داستانها حاکم است. منحنی این اندیشه را می‌گویم. رمانی که کودک انقلاب اسلامی را مرده به دنیا می‌آورد، با رمانی که توجهش نمایش الوهیت این خیزش مردمی است، یک سر تفاوتش در زمین و سر دیگرش در آسمان است.

□ ریشه این تفاوت را ...

■ اجازه بدهید دریافت و احساس

بی‌تجربه، سراسر شوق از پدیده انقلاب اسلامی و وفادار به آن. هر دو گروه متأثر از رویداد بزرگی بودند که خارق عادت هم می‌نمود. آنها شروع به نگارش کردند، و جالب اینکه گروه اول گرایش به نوشته‌های بزرگسال داشت و گروه دوم تمایل به نوشته‌های کودکان و نوجوانان.

□ علت این گرایش چه بود؟

■ به نظر می‌رسد این میل دو سویه امری طبیعی بود. نسل پیشین از توانایی و تدارک معنوی قابل قبولی برای آفرینشهای فنی برخوردار بود و برای قلم‌اندازی در داستانهای کوتاه و بلند مقطع بزرگسال آمادگی داشت. اما نسل پسین، هم به دلیل

خودم را از گروه دوم نویسندگان بگویم، بعد سؤالتان را کامل کنید. به دلیل آمد و شد و حشر و نشری که با برخی از این عزیزان دارم، باورم شده است که تنور این ۱۶ سال، کوله بار بزرگی از پختگی و تجربه را بر دوش اینان نهاده است. شرایط سنی‌ای که این گروه از نویسندگان در آن به سر می‌برند و تقریباً دهه چهارم عمرشان را می‌گذرانند، مهمترین مقطع زندگی ادبی ایشان است. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که آثار برتر توسط نویسندگان - معمولاً - در چنین سنینی آفریده شده است. این نسل امروز در شرایط ویژه‌ای قرار دارد، هم از نظر تجربه و بلوغ حرفه‌ای و هم از جهت توانایی خلق اثر. به همین دلیل فکر می‌کنم دهه آینده - که در طلیعه آن قرار داریم - مهمترین شاخصهای فرهنگی جامعه ما در عرصه ادبیات داستانی خلق خواهد شد.

□ دلایلی برای این خوش بینی دارید؟

■ دلایل همان مشاهدات من است. رمان عشق سالهای جنگ نوشته حسین فتاحی، رمان بازنویس نوشته علی مؤذنی، رمان بادهای خزان نوشته محمدرضا بایرامی، داستانهای کوتاه جمشید خانیان - که به تازگی پس یوسف گم گشته من کو او را خواندم - و آثار دیگر که ظرف سالهای اخیر منتشر شده یا در آینده نزدیک وارد حوزه ادبیات داستانی ما خواهد شد، نشانه‌های این بلوغ حرفه‌ای است. نامهای بیشتری هم می‌توانم ببرم.

□ اول توضیح بیشتری بدهید.

■ ببینید! نویسنده‌ای مثل حسین فتاحی بعد از ۱۵ اثری که برای نوجوانان خلق کرد، امروز احساس می‌کند می‌تواند وارد میدان دیگری شود و با مخاطبان تازه‌تری حرف بزند. این تمایل را در تعداد قابل

توجهی از نویسندگان دیگر هم می‌شود دید. اینان خود را روی سکوی نویسی می‌بینند. زبانی که داوود غفارزادگان در رمان سنگ اندازان غار کبود به کار گرفته، زبان نوجوانان نیست. می‌توانم بگویم او ناخواسته در حال کشیده شدن به طرف زبان تازه‌ای است، زبانی حرفه‌ای تر که مخاطبانش گروه سنی بالاتری هستند. ای کاش رمان بازنویس علی مؤذنی منتشر شده بود تا این حرفها ملموس تر نشان می‌داد. مؤذنی را همه می‌شناختند. او علم تازه‌ای به دوش می‌کشد، و جالب اینکه هم متقدمین و معمرین ادبیات داستانی و هم نسل جوان و پخته این حوزه اهتزاز پرچم او را به احترام می‌نگرند. از آدم امینی شنیدم یکی از نویسندگانی که اتفاقاً اعلامیه «ما نویسنده‌ایم» را هم امضا کرده بود، هنگام خواندن رمان بازنویس، اشک ریخته بود. و خوب است بدانید که این رمان درباره جانبازان است.

□ این طور که متوجه شدم، منظور شما از شاخصهای فرهنگی ادبیات داستانی، **نمودهای کیفی آن است.**

■ مسلم است. وگرنه کسی منتظر شمارش صفحات رمانهایی که منتشر می‌شود، نیست. پر حجم ترین رمانی که مضامینی از انقلاب اسلامی دارد، سالهای ابری نوشته آقای علی اشرف درویشیان است. حجم ۲۲۶۹ صفحه‌ای این رمان اگر ضرب در دو هم شود، حقیقت انقلاب اسلامی از آن بر نمی‌تابد. یا در رمان مدار صفر درجه نوشته آقای احمد مخمود با آن همه پختگی نثر که شاید سرآمد نویسندگان حرفه‌ای باشد، حقیقت و ذات این انقلاب را نمی‌نمایاند. البته اینها جایگاه خود را در تاریخ ادبیات کشورمان خواهند یافت و هیچ کس نمی‌تواند با خوش آمد یا بد آمد گفتن از آنان، تغییری در این امر بدهد.

آنچه مهم می‌نماید، کارکرد اجتماعی این آثار در طول زمان است.

پس از نهضت مشروطه و در همان سالهای اول، رمان قطور و سه جلدی شمس و طغرا - البته جلد اولش به این نام است - توسط خسروی نوشته و چاپ شد. در زمان خود فنی ترین متن داستانی به حساب می‌آمد و آنها که در تحقیقات ادبی خود آن را از نظر گذرانده‌اند، می‌دانند که نوشته پرکشی است. اما همین رمان هرگز رنگ تجدید چاپ به خود ندید. حتی با وجود مضامین ضد اخلاقی اش، در دوره پهلوی هم عنایتی به آن نشد. دامتان باستان نوشته میرزا حسن خان بدیع که بعدها تحریر شد و یا عشق و سلطنت شیخ موسی کبودر آهنگی نیز همین سرنوشت را داشتند. البته این رمانها ارتباطی ماهوی با نهضت مشروطیت نداشتند؛ رمانهایی تاریخی بودند. با این حال قد نکشیدند و از اقبال عامه برخوردار نشدند. علتهای متعددی بر این امر بار می‌شود، که به نظر من اصلی ترین آن همسو نبودنشان با ارزشهای بومی و ملی ما بود. این ناهمسویی در زمان ما تغییر کرده است. نه اینکه همسو شده باشد، نوع ناهمسویی اش تغییر کرده است. زمان تنفیذ عناصر ملموس بیگانه توسط نویسندگان در داستان به سر آمده و این دخالت اکنون بنابر ینش و تفکر نویسنده، در خطوط نامرئی داستان گنجانده می‌شود. از این رو وقتی یک رمان خوانده می‌شود، شاید هیچ عنصر غیربومی را نتوان در آن یافت، که هیچ، چه بسا ارتباط رو در رو و بسیار نزدیکی هم با شخصیت‌های آن برقرار می‌شود. اما زیر ساخت این تصویرهای پیوسته و خودی که در نهایت به نتیجه‌گیری خواننده می‌انجامد - نتیجه‌ای که معمولاً با تعمیق باورهای نویسنده در خواننده همراه است و هنر



● شأن انقلاب
پدري کردن
است، آن هم از
نوع خوش
اخلاقش. این
اخلاق خوش تا
منتهای مهربانی
باید ادامه داشته باشد.

● انقلاب ایران
یک نقطه رهایی کاملاً
مشخصی دارد و آن ۱۵
خرداد سال ۱۳۴۲ است.

درست نویسی است. برخی این انتظار را
بر آورده می کنند، برخی نمی کنند، و دوگانگی
از همین جا شروع می شود.

□ برخورد انقلاب اسلامی با
نویسندگانی که این انتظار را بر آورده
نمی کنند چیست؟

■ شأن انقلاب اسلامی پدري کردن
است. آن هم از نوع خوش اخلاقش. این
اخلاق خوش تا منتهای مهربانی باید ادامه
داشته باشد. اما می دانید که بعضیها در
دوران کودکی از پدرهای مهربان تشر هم
خورده اند. نویسندگانی بیش از هر چیز با
اندیشه سروکار دارند. و حیثیت تفکر و
اندیشه هرگز نمی تواند بقاء بر کودکی باشد،
ولی اگر ماند و برای جامعه زبان آفرید،
خوردن تشر طبیعی است.

□ اگر بخواهید این نظر را با مسائل
روز جامعه تطبیق دهید، چه نتیجه ای
می گیرید؟

■ یک نقش نادرست.

□ توضیح بیشتری بدهید.

■ اعلامیه «ما نویسنده ایم» شاید نمونه
خوبی برای توضیح بیشتر باشد. بعضی
نسبت به همه نامهایی که ذیل آن نوشته آمده
بود به قدری بدبین هستند که آنها را
غیر خودی، دشمن شادکن، دگراندیش و از
این قبیل ترکیبات منفی می دانند. البته نفس
کار هم دشمن را شاد کرد. آن روزها
توانستم انعکاس این خبر را در کیهان لندن،
بمردز و برخی دیگر از نشریات ضدانقلاب
بینیم. انصافاً خوشحالی و مسرت از لابه
لای سطرهای اخبار و گزارشهایشان پیدا
بود. با این حال برخورد برخی جراید
داخلی چنان تند و پر رنگ بود که در یک
برآورد شرعی، افتراء، تهمت و غیبت فراوان
با خود داشت. این اعلامیه با توجه به همه
واکنشهای خارجی آن، یک حادثه بود؛

انقلاب گفت که ما مهاجریم، از بدل این
دنیا به درستی استفاده کنیم و آن را به جای
اصل نگیریم. گفت که «ارجینال» جای
دیگری است. نمودار آن رنگ و این پیام را
نمی توان با هر گونه ادبی ترسیم کرد. وقتی
این نمودار در داستانهای برخی از ادیبان
متقدم که نسبت به این پیام مؤمن نیستند
کشیده می شود، یک چیز از آب درمی آید و
زمانی که در آثار وفاداران به این پیام رسم
می شود چیزی دیگری. انقلاب با همه
بزرگی خود انتظارات کوچکی هم دارد، و
آن درست نویسی است. البته درست نویسی
کار مورخان است، و خوب نویسی کار
ادیبان. مورخانی که خوب بنویسند، تاریخ
را زیبا به نگارش درمی آورند، اما ادیبانی
که درست بنویسند، ادبیات را به حقیقت
نزدیکتر کرده اند. تاریخ ادبیات نوین ما به
همان اندازه که از آثار خوب نوشته پر
است، از اثرهای درست نوشته خالی
است. انتظار انقلاب از ادیبان،

نوشتن چیزی جز این نیست - کلیتی بیگانه با
ارزشهای ملی است. این دگرگونی فنی را
امروز می توانیم در برخی از آثار ببینیم.

□ آیا اعمال این روشها را در
نویسندگان متأخری که انقلاب اسلامی را به
دیده احترام می نگرند می توان دید؟

■ بله. آن مشاهداتی که در رمانهای نو
نوشته نام بردم، تنها متوجه کمیت آنها نبود،
بلکه توجه بیشتر در به کارگیری از روشهای
فنی است، منتها با این تفاوت که حرکت
ناپیدای داستان اینان مقرون به حقیقت
است.

□ علت این دوگانگی در چیست؟

■ این همان سؤال شماست که در ابتدا
قطعش کردم. اندیشه هم مثل رنگ طیف
دارد. بعد از انقلاب اسلامی رنگهای
آسمانی تجلی کرد. خود انقلاب اسلامی
هم در واقع یک پیام بود برای انسانها: این
دنیا فقط یک گذرگاه است و نه پیش. و
آماده باش بود برای بازگشت و هجرت.

● **رمان مدار صفر درجه**
نوشته آقای
احمد محمود با آن
همه پختگی نثر -
که شاید سرآمد
نویسندگان حرفه‌ای
باشد - حقیقت و ذات
این انقلاب را نمی نمایاند.

حادثه‌ای که از دیدگاه پدر انقلاب، کودکانه و نارس شمرده می‌شد. ولی اجازه داده نشد که نقش پدری به درستی ایفا گردد. برخی معتقدند صاحبان بعضی از امضاها مستشار فرهنگی هستند. نمی‌دانم. شاید باشند. این را وزارت اطلاعات باید اعلام کند. می‌گویند چند نفر از این آقایان مفسد هستند. می‌دانم. خبر از سندی گرفتم که یکی از همین نویسنده‌ها پیش از انقلاب معشوقه فرانسوی داشت و ساواک به جاسوسه بودن این زن ظنین شده بود. می‌گویند برخی حقوق‌بگیر ساواک بوده‌اند. این را هم می‌دانم. سند این مستمری‌بگیر سازمان امنیت هم موجود است که در یک دوره کمک خرجی می‌گرفت. می‌گویند برخی دیگر توسل عمیقی به الکل و تریاک دارند. نمی‌دانم. ولی می‌دانم که بنا بر آبروریزی نیست. بنا بر این است که ما به همگرایی فرهنگی بیش از گسستگی آن نیازمندیم. نقش اول مطبوعات دامن زدن به این همگرایی فرهنگی است! همچنانکه نقش یک پدر این است. ولی در این مورد نشد. بنا بر این می‌بینید که این نقش درست از آب در نمی‌آید. هم این اعلامیه کودکانه بود، هم برخورد مطبوعات ناقص.

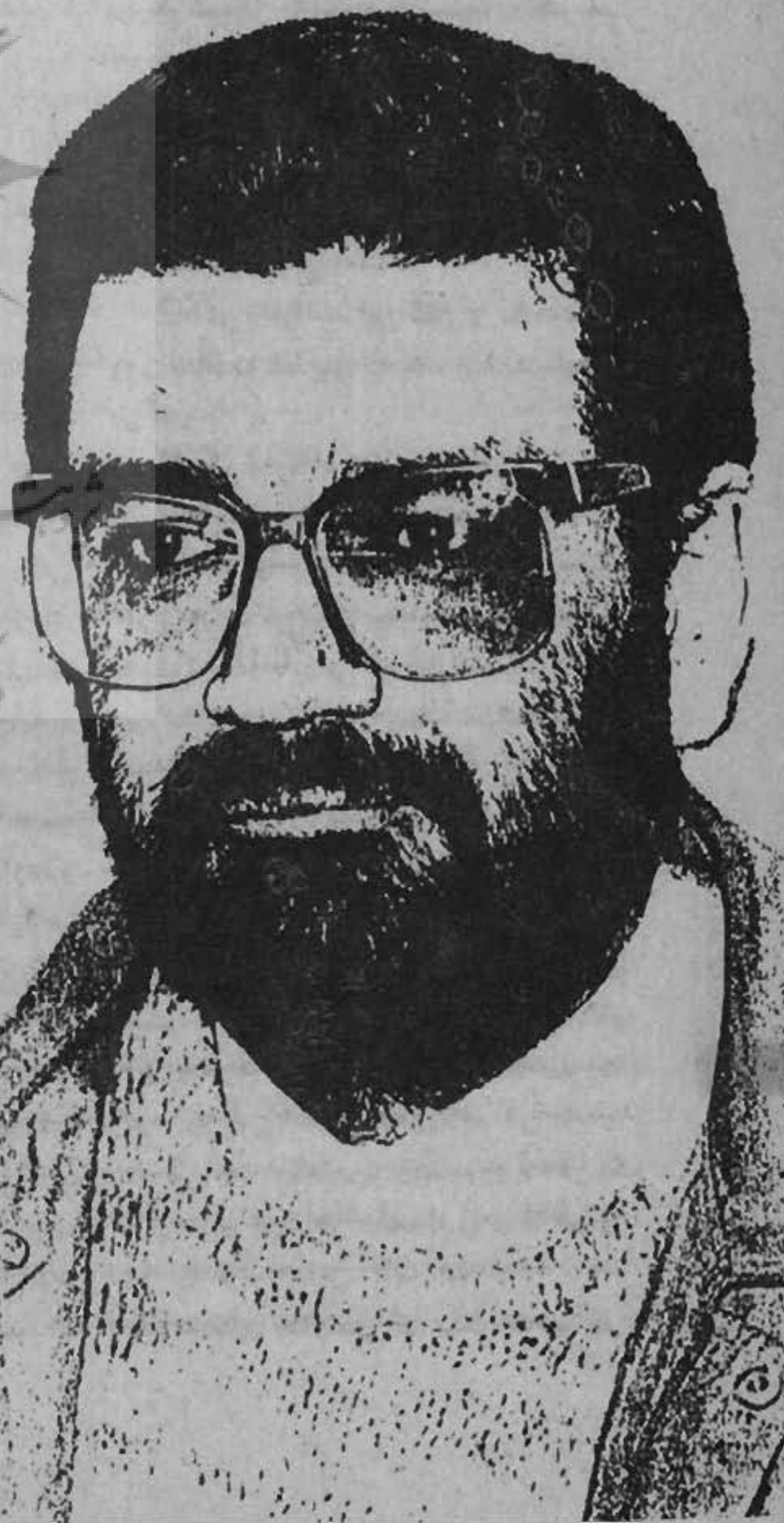
□ منظورتان کدام مطبوعات هستند.

■ هم آنها که با هجوم خود عده‌ای از صاحبان امضاها را نویسنده کردند و هم آنها که هیچ واکنشی از خود بروز ندادند. روزنامه اطلاعات توانست با مصاحبه‌های خود آن نقش را به درستی ایفا کند.

□ قرار شد از نتیجه رفاقت دفتر با نویسنده‌ها بگویید.

■ پیش از این اجازه دهید به نتیجه‌ای غیرمکتوب اشاره کنم. اخیراً در جریان یک نظرخواهی از نویسندگان قرار گرفتم که یکی از جراید با ردیف کردن ۲۰ - ۳۰ سؤال، موقعیت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آنان را بررسی کرده است. گزارش تحلیلی

این نظرخواهی هنوز منتشر نشده است. اما نکات قابل توجهی در پاسخها وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنم. در برابر این سؤال که: «نویسندگی چگونه شغلی است؟» اکثریت پاسخ داده‌اند: «هم شغل است و هم ذوق». بیشتر آنان از کتابخانه شخصی خود راضی نیستند. تقریباً همگی بیش از ۵۰۰ صفحه کتاب در ماه مطالعه می‌کنند. درآمد ماهیانه این نویسندگان به طور متوسط بین ۲۵ تا ۳۵ هزار تومان است. بیشترشان مستأجر هستند. هیچ یک از این نویسندگان منابع مطالعاتی خود را از طریق سفر به دست نمی‌آورند. بیشتر درآمدشان صرف پرداخت دیون و مخارج زندگی می‌شود. تقریباً هیچ یک از حق‌التألیف کتابهایشان راضی نیستند. و در برابر این سؤال که: «موقعیت ادبی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟» بیشترشان در مربع خالی «بد» علامت گذاشته‌اند. این نظرخواهی از آن گروه از نویسندگانی به عمل آمده که حیثیت نویسندگی‌شان متعلق به پس از انقلاب است. منظورم از بیان این مطلب آن است که این گروه اجتماعی اندیشمند با همه‌امیدی که به آنها بسته شده، در موقعیت مطلوبی از جهت اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی قرار ندارند و از مدیریت فرهنگی جامعه نیز تلاشی جدی مشاهده نمی‌شود. می‌توان مطمئن بود که ماندگار شدن نویسنده‌ها در چنین فضایی نمی‌تواند پیامدهای مثبت داشته باشد، به طوری که اولین تأثیر منفی آن متوجه همان دیدگاه است، که نویسندگی برای ایشان هم ذوق است و هم شغل. این موقعیت نه ذوق می‌پروراند و نه شغل می‌شود. فکر می‌کنم بخشی از علل ریزش و تلفات فرهنگی ما متوجه این امر است. نویسندگانی را می‌شناسم که شاگرد زرگر شده‌اند و یا در بازار آهن فروشی می‌کنند. با این حال تغییر شغل در برابر حوادثی چون خمود خیال،



خشکیدگی قلم و احیاناً تغییر جبهه فکری امر مهمی تلقی نمی‌شود. ما عادت کرده‌ایم به نتیجه و محصول یک حرکت نگاه کنیم و همه قضاوت‌هایمان را متوجه همان ماحصل کنیم. ولی این حرکت، مهمتر از نتیجه، بستر و زمینه‌ای دارد که نتیجه حرکت مطلوب بستگی مستقیم به مطلوبیت این بستر و زمینه دارد. اگر قرار باشد جامعه ما به مرزهای مطلوب ادبی برسد، باید زمینه این حرکت را به درستی فراهم کنیم. یکی از این زمینه‌ها و شاید مهمترین‌شان موقعیت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی نویسنده‌هاست. آنها که اهمیتی به حرکت ادبی جامعه می‌دهند نباید هر دو نگاهشان را به نتیجه بدوزند؛ یک چشمشان باید از بستر این حرکت مواظبت کند.

□ با تشکر از توضیحی که درباره سؤال پیشین دادید. لطفاً نام آثاری را که در زمینه ادبیات داستانی منتشر کرده‌اید و یا در دست انتشار دارید، ذکر کنید.

■ رمان سنگ‌اندازان غار کبود که در دو جلد منتشر می‌شود، کاری است از آقای داوود غفارزادگان. آقای علی‌اکبر والایی مجموعه داستان دستی از دور را نوشته که منتشر شد. پنج جلد از داستانهای کوتاه آقای نادر ابراهیمی را تجدید چاپ کردیم که آخرین چاپ آن ۱۳۵۸ بود و خیلی زود به چاپ چهارم رسید. رمان بادهای خزان را از آقای محمدرضا بایرامی زیر چاپ برده‌ایم. رمان کوه طلایی را آقای انوشه منادی نوشتند که به زودی منتشر می‌شود. رمان هفت حکایت را از آقای محمدعلی علومی زیر چاپ داریم. مجموعه داستان به هم پیوسته غریبه‌ها را از آقای محسن مؤمنی داریم. پشت شیشه‌ها نام رمانی است از آقای محمد بکایی که زیر چاپ است. رمان شهر هزار شب از آقای مجتبی یاری به زودی منتشر می‌شود. بچه‌های سنگان رمان دیگری است از آقای حسین فتاحی که مراحل چاپ را می‌گذرانند. آقای محمد

محمدی پاشاک رمان فصل کوچ چلچله را نوشته‌اند که منتشر خواهد شد. رمان باران روشن از آقای قاضی ربیع‌حاری به زودی وارد بازار کتاب می‌شود. دو جلد قصه‌های انقلاب برای بچه‌ها از آقای رضا سرشار منتشر خواهد شد که کتابهای پنجم و ششم از این سری داستانهاست. رمان بازی آن روزها را آقای کاوه بهمن نوشت که به زودی منتشر می‌شود. مجموعه داستان آن آدم کوچک که محصول چهارتن از نویسندگان است: آقایان پاشاک، بهمن، هشرودی و بایرامی، و یک ماهی است که منتشر شده است و رمان ماشو در مه از آقای فرهاد حسن‌زاده که در صف چاپخانه ایستاده است.

□ از رمانهای در دست نگارش هم نام بپزید.

■ می‌دانم که آقای علی مؤذنی، ابراهیم حسن بیگی، جعفر ابراهیمی و خانم سوسن طاق‌دیس در حال به پایان بردن رمانهایشان هستند.

□ درباره دیگر بخشهای دفتر ادبیات انقلاب اسلامی توضیح بدهید، واحدهایی که به امور تحقیقی انقلاب اسلامی مشغول هستند.

■ از واحد خاطرات شروع می‌کنم. محقق در حوزه تاریخ برای بررسی یک حادثه ناچار از گردآوری همه اسناد و مدارک موجود در مورد آن حادثه است. با حاصل شدن این اطمینان، پژوهش، آن هم با اصول قابل قبول و شناخته شده امر تحقیق در علوم انسانی، توسط پژوهشگر آغاز می‌شود. از جمله اسناد و مدارک، خاطرات است؛ خاطرات شاهدان حادثه یا پدیدآورندگان آن. و از آنجا که مشاهده نزدیک متقن‌تر از دیگر صورتهای کسب آگاهی است، خاطره - با رعایت همه جوانبش اعم از تعادل در بیان، جلوگیری از افراط و تفریط و کم‌رنگ و پررنگ کردن یادها و تأیید قرائن و شواهد

دیگر و به قولی تواتر - از منابع اصلی در پژوهشهای تاریخی است. اما در مورد مدارک و اسناد مرتبط با انقلاب اسلامی - و در اینجا خاطره - باید یک مسئله را بدین اصل افزود، و آن دست به کار شدن بیگانگان از طریق انتشار خاطرات رجال رژیم گذشته و برخی از کارگزاران انقلاب - که در اولین ماهها و سالهای پیروزی زمامدار بودند - است. در واقع ما با تولید منبع، آن هم از طرف کسانی که هیچ علاقه‌ای به باقی ماندن سر روی تن‌مان ندارند مواجه شدیم، نه اینکه در کشور خودمان کاری صورت نگرفته بود، اما غربیها با جدیت شروع کردند، زحمت کشیدند و موازی با منویات خود ارضیه قابل توجهی به جا گذاشته‌اند. از این جمله است تاریخ شفاهی که مثل ترکیب واژه‌هایش کاری است نو در عرصه جمع‌آوری اطلاعات. اولین تلاش خارجی را مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد آمریکا تحت عنوان پروژه تاریخ شفاهی ایران صورت دارد. این طرح در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) پایان یافت و نوارها و متن تایپ شده آن به دانشگاه هاروارد و آکسفورد انگلستان منتقل شد و در ضمن میکروفیش این سندها برای نگهداری به برخی از کتابخانه‌های اروپا ارسال گردید. این طرح که ۶۰۰۰۰۰ دلار بودجه برد، یک سرپرست ایرانی به نام حبیب لاجوردی داشت. تاریخ شفاهی هاروارد ۷۹۴ ساعت مصاحبه را در برمی‌گیرد که برخی از این خاطرات منتشر و برخی دیگر به شکلهای یاد شده باقی مانده است. در ایران اولین تلاش سازمان یافته را بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی شروع کرد و تا جایی که اطلاع دارم ذخیره‌ای حدود هزار ساعت نوار را در محل خود واقع در قم نگهداری می‌کند. این بنیاد بخشهایی از این خاطرات را در نشریه یاد منتشر کرده است. در سالهای اخیر نیز بنگاه تبلیغاتی بی.بی.سی

انگلستان با شیوه‌ای نو تاریخ شفاهی ایران را تهیه و از ایستگاه رادیوی خود پخش کرد. این تاریخ تحت عنوان «داستان انقلاب به روایت رادیو بی. بی. سی» در نیمه دوم سال جاری در ایران چاپ شد. کتاب غیر از مقدمه، مؤخره بسیار خوبی دارد. نام نویسنده‌اش معلوم نیست، ولی تلاش پنجاه ساله بی. بی. سی را در ایران مورد تحلیل قرار داده است. انگلستان و بنگاه خبر پراکنی آن در ایران خوش نام نیستند. اما بی‌آنکه این بدنامی را دخالت دهیم، تاریخ شفاهی بی. بی. سی دارای اشتباهات و تحریفاتی است که برای نمونه از حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آن نام می‌برم. بی. بی. سی در این مقطع - به نسبت بزرگی حادثه - کمترین حجم مصاحبه را ارائه داده، و توقف عالمانه‌ای برای بررسی این رویداد صورت نداده است. در حالی که هیچ مقطعی در تاریخ معاصر ایران از نظر شکل‌دهی به انقلاب ۲۲ بهمن مهمتر از واقعه ۱۵ خرداد نیست. منظورم این است که منحنی تاریخ انقلاب توسط بی. بی. سی کاملاً سلیقه‌ای ترسیم شده و نظریه ناسیونالیست‌های غیربومی در بیشتر مقاطع آن دخالت داده شده است.

□ در داخل چه سازمان‌های دیگری در کار جمع‌آوری خاطرات هستند.

■ «مرکز اسناد انقلاب اسلامی»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی و «مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی». از این سه مرکز اطلاع دارم.

□ و «دفتر ادبیات انقلاب اسلامی».

■ بله، ما از نیمه دوم سال ۱۳۷۲ شروع کردیم. سرپرست این کار در دفتر شخص باتجربه‌ای است که پیش از این ۲۰۰۰۰ ساعت خاطرات رزمندگان در جبهه‌ها و قرارگاه‌ها را جمع‌آوری کرده بود. آقای سعید فخرزاده و همکارانشان تاکنون نزدیک به هزار ساعت نوار از افراد

تهیه کرده‌اند. این افراد از وزیران و وکیلان شروع می‌شود تا اشخاص عادی. نوع فرد مهم نیست، بلکه مشاهده و نقشی که آنان در سالهای پیش از انقلاب اسلامی و امر مبارزه داشتند اهمیت دارد. مصاحبه‌ها از دوران کودکی شروع می‌شود و تا مقطع پیروزی انقلاب اسلامی ادامه می‌یابد که زندگی سیاسی آنان بخش اعظم گفته‌ها را تشکیل می‌دهد. و در مورد برخی که آمادگی داشته باشند، حوادث پس از انقلاب اسلامی نیز از زبان ایشان ضبط می‌شود، اما بنای ما برای ارائه خاطرات فقط تا مقطع پیروزی انقلاب اسلامی است.

□ این مصاحبه‌ها به شکل کتاب ارائه می‌شود یا به نحو دیگری در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد؟

■ شکل اولیه ارائه آن، کتاب است. برخی از مصاحبه‌ها پس از پیاده شدن و تنظیم منتشر می‌شوند. تنظیم این خاطره‌ها وقت زیادی از ما می‌گیرد، چون بازنویسی و ویرایش خاطره کار بسیار سختی است. و این مرحله، زمانی پایان می‌گیرد که مصاحبه‌شونده متن خاطره تنظیم شده را بخواند و تأیید کند. اما هدف ما ارائه شفاهی خاطرات است. در شکل مطلوب، تمامی این خاطرات با سیستم‌های صوتی به علاوه متن پیاده شده نوارها در محلی مستقر خواهد شد و ما از طریق پذیرفتن عضو خدمات خود را ارائه خواهیم داد.

□ آیا کتابی از این خاطرات آماده شده است؟

■ اول از همه کتاب زوایای تاریک بود که خارج از این روش توسط آقای جلال‌الدین فارسی نوشته شد که بهار امسال منتشر شد. دومین کتاب خاطرات آیت‌الله پسندیده است. و کتابهای خاطرات مرتضی الویری، خاطرات اکبر براتی، خاطرات هادی غفاری و خاطرات بهزاد نبوی آماده چاپ شده‌اند.

□ فکر این را کرده‌اید که دفتر به داشتن تمایلات سیاسی متهم نشود.

■ منظورتان خطوط سیاسی داخلی است؟

□ بله.

■ کارهای پژوهشی آن هم در حوزه تاریخ نباید به این تمایلات نزدیک شود، اگر شد شکست می‌خورد. نقش ما در واحد خاطرات یک نقش واسطه‌ای است؛ یعنی رساندن اطلاعات درست به دست پژوهشگران و مورخان. ما در این مقام از قضاوت به دور هستیم.

□ اشاره‌ای کردید به دخالت نظریه ناسیونالیست‌های غیربومی در تألیف تاریخ ایران. فراموش کردم بپرسم در این مورد توضیح بیشتری بدهید.

■ انقلاب اسلامی یک عقبه روشن و غیرقابل انکار دارد. گذشته از اعتقادات شیعی و مبارزات روحانیان در تاریخ معاصر و حوادثی که به عنوان ریشه‌های انقلاب اسلامی یاد می‌شود، انقلاب اسلامی ایران نقطه‌رهایی کاملاً مشخصی دارد، و آن ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ است. در این مقطع اتفاقی افتاد که در طول تاریخ ما بی‌سابقه بود، و آن قطع شدن رابطه طولی سلطنت و دین بود. به نظر من این بزرگترین امری بود که امام خمینی (ره) پس از فوت آیت‌الله العظمی بروجردی و افتادن مرجعیت به دوش ایشان توانست تحقق ببخشد. نظام سلطنت از همین زمان متزلزل شد. (و از این پس هیچ حرکت مبارزاتی بدون اتکا به نهضت شکل گرفته امام خمینی جان نگرفت. در سال ۱۳۵۵ ساواک

آسوده‌ترین نفس‌های خود را می‌کشید. در این سال همه گروه‌های چپ مسلح، توده، سازمان مجاهدین خلق و حتی برخی از تشکلهای مسلمان، متلاشی و دستگیر و یا کشته شده بودند. هیچ نگرانی جدی‌ای رژیم را تهدید نمی‌کرد و اتفاقاً شعله انقلاب اسلامی یک سال بعد و بدون کوچکترین اتکا به این گروه‌ها آغاز شد؛ یعنی در زمان آسودگی کامل رژیم.) اما خاطره‌گویان یا خاطره‌نویسانی که به بیان یاد‌های خود می‌پردازند، نوعاً نقطه شروع نهضت مردم را به ملی شدن نفت و حوادث سال ۱۳۳۰ می‌رسانند. و در عبور از گذشته وقتی به ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ می‌رسند، اعتنایی در

خور به آن نمی‌کنند. این روش بیشتر ناسیونالیست‌ها در تاریخ‌گویی و تاریخ‌نویسی است. آقای احسان نراقی که خود را پیش از همه معتقد به سنتها و آداب و رسوم ایرانی نشان می‌دهد، در کتاب از کاخ شاه تا زندان انقلاب بارها این نظریه را بین خاطرات خود یادآور می‌شود. شما اگر به اعلامیه‌های جبهه ملی که پس از ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ منتشر شد رجوع کنید، بی‌اعتقادی آنان را به این حادثه و در عوض پررنگ بودن ۳۰ تیر را که چهل و پنج روز پس از این واقعه سالگردش بود، مشاهده می‌کنید. برای باخبر شدن از مواضع نهضت آزادی هم بهترین منبع زوایای تاریک آقای جلال‌الدین فارسی است. و چون گمان می‌کنم اینان به راه و روش و عقیده خود بیش از منافع ملی کشور و مردم می‌اندیشند، آنها را ناسیونالیست‌های غیربومی می‌خوانم. و اگر کس یا گروهی یافت شد که به اندازه رزمندگان به خاک کشورش عشق ورزید، او را ناسیونالیست بومی خواهم گفتم.

□ از واحد خاطرات «دفتر ادبیات انقلاب اسلامی» صحبت شد. از واحدهای دیگر هم بگویید.

■ دو کار عمده دیگر در دفتر صورت می‌گیرد که هر دو بطنی پژوهشی و علمی دارند: اول تدوین تاریخ انقلاب اسلامی و دوم فرهنگ رجال معاصر ایران. در بخش تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، پس از سه سال تلاش، همه اطلاعات برای نگارش تاریخ دو سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ جمع‌آوری شده است. این اطلاعات شامل کتابها، جراید ادواری داخل، اسناد، مدارک و بولتنهای طبقه‌بندی شده‌ای است که پیش از انقلاب منتشر می‌شوند. ترجمه مقالات جراید بیگانه از زبانهای عربی، فرانسه، آلمانی و انگلیسی به فارسی و هر آنچه خبری از حوادث دو سال پرتلاش ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ بدهد می‌شود. همه این آگاهیها در فیشهای موضوعی و زمانی گنجانده شده و اکنون در انتظار مکانیزه شدن هستند تا تدوین طرحهای پیش رو با سرعت و

اطمینان بیشتر صورت گیرد. حدود سی عنوان موضوع برای بهره‌برداری از این صد هزار فیش و جین شده انتخاب شده است که برخی از طرحهای آن مثل روزشمار گزارشی - تحلیلی این دو سال آغاز شده و برخی دیگر مثل جغرافیای انقلاب که پی‌گیری رویدادهای انقلاب در استانهای مختلف کشور است در سال ۱۳۴۷ به اجرا گذاشته خواهد شد.

□ ظاهراً حجم بزرگی از اطلاعات جمع‌آوری شده است.

■ اگر حجمش هم بزرگ نباشد، گمان می‌کنم دفتر کاملترین اطلاعات را در مورد این دو سال توانسته است جمع‌آوری و طبقه‌بندی کند. جا دارد به یکی از ویژگیهای این اطلاعات اشاره کنم و آن گرفتن دست داستان‌نویسان است. گروهی از نویسندگان که احیاناً سیر داستانشان به دهه ۱۳۵۰ سال می‌رسد. از رویدادها و حوادث دسته‌بندی شده واحد تدوین تاریخ انقلاب اسلامی بهره می‌گیرند. همچنین واحدها خاطرات توانسته است به داستان‌نویسان در یافتن موضوعهای تازه و یا تقویت طرح داستانهایشان کمکهای جدی کند. و اینجا می‌توانم به آگاهی همه نویسندگان برسانم که آماده‌ایم اطلاعات مورد نیاز آنها را در مورد موضوعهای دلخواهشان در مورد انقلاب اسلامی در اختیارشان قرار دهیم.

□ واحد دیگر، فرهنگ رجال معاصر ایران بود.

■ بله. صحبت کردن درباره این کار عظیم ساده نیست، مخصوصاً که هنوز به تولید نرسیده است. این طرح در واقع دایرةالمعارف مفصلی از شخصیت‌های یکصد ساله اخیر ایران است. تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات در این واحد بسیار گسترده است. حدود دو هزار و پانصد منبع از کتابخانه‌های مطرح کشور در مورد تاریخ معاصر ایران شناسایی شده و این منابع بنا به زمان نگارش و اصالتشان درجه‌بندی شده‌اند. هم‌اکنون فیش‌برداری از منابع درجه یک ادامه دارد. ما گمان می‌کنیم پس از پایان این مرحله از تحقیق با بیست هزار

مدخل روبه‌رو باشیم و می‌دانید که نگارش بیست هزار مقاله، آن هم با اتکا به اسناد و مدارک چه قدر نیرو و امکانات می‌خواهد. البته کارهای سطحی زودتر جواب می‌دهد، ولی ما اسناد و ابقان کار را در اولویت قرار داده‌ایم. اخیراً دایرةالمعارفی دیدم که دانشگاه آکسفورد در مورد ۱۷۵۰ نفر از دولتمردان قرن بیستم منتشر کرده بود. از میان رجال انقلاب زندگی‌نامه حضرت امام (ره) و آقای هاشمی رفسنجانی را آورده بود. این مقالات بدون ذکر منبع، آن هم از نگاه یک سویه غرب نوشته شده بود و نواقص بسیاری داشت. سعی ما پرهیز از این شتابزدگیهاست. البته دایرةالمعارف دیگری نیز انگلیسیها ویژه ایرانیان منتشر می‌کنند که *Who is Who* نام دارد و آن قابل اعتنا تر است.

□ این طرح شامل رجال انقلاب هم می‌شود؟

■ محدوده طرح یکصدساله ۱۳۰۰ ه.ق تا ۱۴۰۰ ه.ق است. ولی در حال گرفتن خود نوشت‌نامه‌های مختصر از رجال و کارگزاران دوره انقلاب هم هستیم. بعضی از آقایان و خانمها پاسخ مثبت می‌دهند، برخی به طور کلی از دادن پاسخ خودداری می‌کنند و برخی دیگر در یک نامه کوتاه با توضیح خود را کنار کشیده و می‌نویسند ما جزو رجال نیستیم. تلاش می‌کنیم نظر دو گروه اخیر را نسبت به اهمیت این کار جلب کنیم و جواب واقعی را از آنان بگیریم.

□ آخر مصاحبه است. از آخرین حرفها بگویید.

■ در مرحله حساسی از بازآفرینی شاخصهای ادبی قرار داریم. این مقطع باید به درستی شناخته شود و کارگزاران فرهنگی بیش از هر کس محتاج این شناخت هستند. سرنوشت ادبی دهه پیش رو در گرو این شناخت است.

□ از شما تشکر می‌کنیم.

■ من هم از شما ممنونم و این امتنان زمانی دو برابر می‌شود که متن این مصاحبه غلط چاپی نداشته باشد. □